

**سؤال :** ایگناتیوس لویولا چه کسی بوده است؟

**جواب :** ایگناتیوس سال ۱۴۹۱ در قصر لویولا در شمال کشور اسپانیا چشم به جهان گشود، ایشان در یک محیط اشرافی و مرفه بزرگ شده و به زودی به کارهای نظامی و زندگی شوالیه ها علاقمند می شود در آن زمان در این نوع زندگی، بی بند و باری و میگساری را تجربه می کند اما با یک اتفاق خدا او را دعوت کرد.

در سال ۱۵۲۱ چون در دفاع از قلعه پامپلون با شجاعت مشارکت کرده بود به سختی زخمی شده و یک گلوله توپ پای راست او را شکانده و آن یکی پای او نیز به سختی زخمی می شود، در نتیجه سخت مریض شده و در تخت خواب بستری می شود و دیگر نمی توانست به تنهایی راه برود و فعالیت داشته باشد. این وضعیت برای یک جوان شوالیه بسیار فرومایه و بغرنج بود.

در ابتدا بر روی او یک عمل جراحی در شهر پامپلون انجام داده می شود و سپس او را به قصر لویولا بر می گردانند. از آنجا که خود می خواهد که به وضعیت قبلی و عالی خود برگردد به همین خاطر قبول می کنند که دوباره پایش را بشکنند و استخوان پای او را دوباره جای ببندازند و استخوان های اضافی را ببرند که در نتیجه تا آخر عمر لنگان لنگان راه خواهد رفت اما این باعث می شود که یک دوره طولانی مریضی و نقاهت هم از نظر جسمی و هم از نظر روحی برای او شروع شود و رنج بسیار ببرد.

در این وضعیت، بسیار کسل شده و برای فراموش کردن این حالت ناخوشایند و برگشتن ذره ای از شجاعت خود دوست می داشت که داستان شوالیه ها را بخواند اما متأسفانه در این قصر فقط دو تا کتاب برای ایشان پیدا می کنند که یکی در ارتباط با زندگی مقدسین و دیگری در ارتباط با خود عیسی مسیح می بود، این مسئله برای او یک الهام تلقی می شود و از خودش سؤال می پرسد که من نیز چگونه می توانم به خدا و دیگران خدمت کنم. در دعا فرو رفته و در فکر و تعمق می ماند و یک دگرگونی کلی در وجودش به وجود می آید که شبی رویای حضرت مریم با پسرش عیسی آن را تحکیم و تأیید می کند.

از آن به بعد دیگر این حقیقت را درک کرده و با خود تکرار می کند که انسان جهت سپاسگزاری خدا و او را حرمت گذاشتن و او را خدمت کردن آفریده شده است که از این راه خود نجات یابد پس از مدت طولانی کم کم خوب شده سپس به صورت کاملاً فقیرانه و بیچاره به جایی به اسم anrese می رود که در آنجا یک سال در خلوت می ماند و به تمام گناهان زندگی گذشته خود اعتراف می کند و بر انجیل تعمق می کند و در دعا و روزه و فقر کامل زندگی می

کند چون می خواسته دقیقاً مثل عیسی مسیح زندگی کند، رم و اورشلیم را زیارت می کند و چون می خواست بیشتر و بهتر به هم نوعان خود خدمت کند در سن ۳۳ سالگی تعلیم فلسفه و الهیات را شروع می کند که ۱۱ سال طول می کشد، از زمانی که در anrese بود عادت کرده بود در یک دفتر به اسم تمرین روحانی، تجربه روحانی خود را بنویسد و در دانشکده سوربن با هم کلاسی هایش این فن تعلیم و تربیت اعتکاف روحانی را برگزار می کرد.

کم کم با درخشش شخصیت روحانی اش و اقتدارش برای راهنمایی دیگران این امر باعث شده که به یک استاد خیلی خوب جهت تشخیص دادن امور روحانی و خدمت در این دنیا و شهادت دادن و نیایش کردن تبدیل شود.

در سال ۱۵۴۰ همراه با دوستان همکلاسی خود در شهر رم، یک گروه از راهبان جدید به اسم همراهی با عیسی جهت خدمت به خدا و کلیسا که در حال اصلاح می بود را تشکیل می دهد که در سال وفات او -۱۵۵۶- بیشتر از هزار نفر همراه در چهار قاره دنیا از ژاپن تا آمریکای جنوبی در این گروه مشغول به خدمت بودند در نتیجه فعالیت بسیار زیاد ایگناسیوس، یک تعارض نوین در زندگی رهبانی، در تطابق با دنیای امروز را پایه گذاری کرد؛ معمولاً اعضای این همراهی با عیسی را jesuites می نامند که امروزه نزدیک به ۲۰ هزار نفر در این گروه مشغول به خدمت هستند و شعار ایشان این است: "با تمام وجود برای ارتقاء جلال خدا و نجات انسان ها باید تلاش کنیم"

در آخر یادآوری کنیم که پاپ جدید نیز از همین گروه همراهان با عیسی بوده و هست.